

مقدمه‌ای بر تفسیر قانون اساسی

حجت الاسلام بحی سلطانی

قسمت دوم

نمونه سوم

قوم لوط:

قوم لوط در زمان حضرت ابراهیم (ع) زندگی می‌کردند و ارشاد کشنده آنها حضرت لوط بوده که آن حضرت از منسوبان حضرت ابراهیم بوده است. این قوم در چند شهر زندگی می‌کردند که بر اثر گناه شهرهای آنها زیرورو شده و بارانی از سنگ ریزه بر آنها باریده است بطوری که اثری از شهرها باقی نمانده است. قرآن مجید می‌فرماید:

«فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليها حجارة من سجيل منضود مسومة عند ربك» هود - ۸۲
چون امر ما رسید شهر و دیار آن قوم را زیرورو ساختیم و بر سر آنها بارانی از سنگهای سجیل (سنگ گل) و نشان دار و بی در پی فرو ریختیم.

علت هلاکت قوم لوط اعمال ناشایسته آنها بوده که بعضی از آنها را قرآن یادآور شده است:

۱- عمل شنيع لوط برای آنها بک امر عادی بوده و آنها مبتکر این عمل بوده‌اند. زیرا بگفته قرآن قبل از قوم لوط این معصیت سابقه نداشته است. در سوره اعراف آمده است:

«ولوطاً إذ قال لقومه اتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من احد من العالمين انكم لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم مسرفون» اعراف - ۸۰ - ۸۱

«لوط! چه قوم خود گفتی آیا شما عمل زشتی را انجام می‌دهید که از هیچکس از جهانیان سابقه نداشته و هیچکس قبل از شما آن عمل را انجام نداده است. شما از روی شهوت به طرف مردان می‌روید و زنان را رها می‌کنید. شما گروهی تجاوزکار هستید.»

۲- فسق و گناه علنی داشتند و در دیدگاه مردم بدون پروا مرتکب گناه می‌شدند. راه را بر مردم می‌بستند و آنها را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند و چه بسا اموال آنان را می‌گرفتند. از اینجهت حضرت لوط به آنها می‌فرمود:

«أتأثم لتأتون الرجال وتطفون السبل وتأتون فی

نادهکم المنکر» تکوین - ۲۹

آیا شما با مردان آمیزش می‌کنید و راه را بر مردم می‌بندید و در مجالس خود در بین اجتماع مرتکب گناه می‌شوید؟

۳- بنا بر نقل بعضی از تفاسیر قوم لوط وقاحت و بی شرمی را از حد گذرانده بودند. هر راه‌گذری که عبور می‌کرد جمعی که در کوچه نشسته بودند هر کدام سنگی به طرف او پرتاب می‌کردند، سنگ هر کدام از آنها که به او اصابت می‌کرد آن رهگذر را از خود می‌دانست و به او تجاوز می‌کرد. افراد را به باد مسخره می‌گرفتند و در مجالس خود اعمال زشت و قبیح انجام می‌دادند.

به هر حال، این قوم به علت نافرمانی و گناه زیاد و فساد اخلاق و بی بندوباری و بی پروائی که به هیچ وجه پند و اندرزهای حضرت لوط در آنها اثر نمی‌بخشید، گرفتار قهر خداوند شدند و زیرورو شدن شهرهای مسکونی آنها همه نیست و نابود گشتند.

از نقل داستانهای اقوام گذشته که در قرآن مجید آمده و ما سه نمونه از آنها نقل کردیم، بخوبی روشن می‌شود: افرادی که با خدا سروکار ندارند و از فرمان حق سرپیچی می‌کنند و آشکارا گناهان را مرتکب می‌گردند و به دنیا دل بسته‌اند و افرادی که در کاسخهای با عظمت زندگی می‌کنند و به یاد مرگ و آخرت نیستند و غرق در شهوات و لذات دنیا هستند عاقبت، سقوط خواهند کرد و گرفتار قهر خداوند می‌شوند و اگر بدست آدمیان و انسانها از بین نرفتند خداوند با خشم طبیعت آنها را نابود خواهد کرد و قوم و ملتی دیگر جانشین آنها خواهند شد و اگر آن قوم بعدی نیز اعمالی مشابه اقوام قبل از خود داشته باشند آنها نیز به همان سرنوشت مبتلی خواهند شد.

و نیز از قرآن مجید استفاده می‌شود که خداوند بعضی از انسانها را بدست بعضی دیگر نابود می‌کند به بعضی نصرت و یاری

جو کشور باید کاملاً اسلامی باشد:

با توجه به اینکه پیروزی انقلاب ایران همانطوریکه امام بزرگوار، خمینی عزیز مکرر فرمودند با عنایات خداوندی و مدد های غیبی او بوده و اعمال ننگین دودمان پهلوی بود که آنها را به سقوط نزدیک کرد و خداوند ملت رشید ایران را یاری داد تا طومار آنها را درهم بپسچند. از مقدمه ای که تفصیلاً بیان داشتیم بخوبی روشن می گردد که اگر ملت بعد از پیروزی انقلاب بخواهد دوام داشته باشد و انقلاب او ثمربخش باشد باید بگونه ای رفتار نمایند که رفتار آنها مورد رضای خدا باشد و خداوند آنها را یاری دهد و باید در رژیم اسلامی خود قوتتسین را بگونه ای تصویب نمایند که مورد رضایت پروردگار باشد. زیرا همانطوری که یادآور شدیم خداوند امتی را یاری می دهد که به او توجه داشته باشند و دارای اخلاق نیک و کردار نیک باشند. بنابراین باید قانون اساسی به نحوی تنظیم و تصویب گردد که جو مملکت را کاملاً اسلامی نماید و کشور را بصورتی در آورد که جز احکام خدا حکمی در آن صادر نشود و فضائل اخلاقی رشد پیدا کند و عوامل فساد به طور کلی ریشه کن گردد.

مقدمه دوم

خواسته های مردم در انقلاب: یکی از چیزهایی که چگونه بودن قانون اساسی را روشن می سازد خواسته ملت های انقلاب گر است ملت در انقلاب خود هر چه را می خواسته اگر در رژیم بعد (انقلابی) جامعه عمل نباشد، دست از حمایت نمودن خود برمی دارد و اگر دولت از حمایت ملت برخوردار نباشد با شکست مواجه می گردد. خواسته های ملت ایران در انقلاب چنانکه از همه شعارهای آنها مشهود بود حکومت

می شد و دیگر عبادتگاهی باقی نمی ماند. از این آیه شریفه استفاده می شود که خداوند بدست انسانهایی که آنها را یاری می دهد افرادی را از بین می برد که مانعی بر سر راه عبادت کنندگان باشند و وجود آنها برای عبادت مردان خدا مضر باشد.

از آنچه در این مقدمه مفصل آوردیم روشن می گردد که از دیدگاه قرآن و عالم غیب، افرادی که گناهکار باشند و به خدا توجه نداشته باشند و با استکبار زندگی کنند و مزاحم مردان خدا باشند و به شرک آلوده باشند اگر سخنان رهبران مذهبی در آنها اثر نکند و به راه هدایت نیایند سقوط آنها حتمی است. یا بدست انسانهایی که خدا آنها را یاری می کند از بین می روند و یا با بلاهای آسمانی بوسیله آب یا باد یا زلزله و امثال اینها به هلاکت می رسند و این سنت الهی است که هرگز قابل تغییر نمی باشد و عامل غیبی انقلاب یعنی برجیده شدن یک بساط و جانشین شدن دیگران همین سنت الهی است و از مجموع استفاده می شود: افرادی را خداوند یاری می کند که به او توجه داشته باشند و آلوده به شرک نباشند. علو و استکبار نداشته باشند. افرادی پاک و دارای اخلاقی صالح و سالم باشند و این مطلب در آیه ۴۰-۴۶ از سوره حج بنا صراحت آمده است. خداوند می فرماید:

«ولینصرن الله من ینصره ان الله لفریق عزیز الدین
ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امروا
بالمعروف و نهوا عن المنکر و یذکروا عاقبة الامور»
- محققاً خداوند کسانی را یاری می نماید که او را یاری نمایند. به درستی که خداوند نیرومند و عزیز است. (خداوند کسانی را یاری می دهد) که اگر آنها را در زمین مکنت دادیم نماز را پیادارند و زکوة را بپردازند و به نیکی ها امر نمایند و مردم را از بدیها باز دارند و برای خدا است عاقبت کارها.

می دهد تا بعضی دیگر را از بین ببرند و بطوری که از آیات مربوطه استفاده می شود افرادی را از بین می برد که وجود آنها موجب فساد باشد و بودن آنها مانعی بر سر راه عبادت کنندگان به حساب بیاید.

خداوند در سوره بقره آیه ۲۵۱ به دنبال نقل یک جنگ و پیکاری که بین سپاه طالوت و جالوت بوده است می فرماید:

«لولا دفع الله الناس بعضهم بعض لفسدت الارض ولكن الله ذوفضل علی العالمین»

- اگر نبود که خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع می کرد زمین را فساد می گرفت. لکن خداوند برای عالمیان صاحب فضل و کرم است.

از این آیه استفاده می شود که خداوند به علت فضل و بزرگواری که دارد مردم را مورد لطف و عنایت خود قرار می دهد و فسادگران را بدست انسانهایی که آلت تحقق اراده او هستند دفع می کند تا زمین را فساد نگیرد. (اگر چه در آیه احتمالات دیگری نیز داده شده ولی این استفاده از آیه شریفه به قرینه سیاقی است و بر احتمالات دیگر مقدم است). و در سوره حج آیه ۳۹ می فرماید:

«لولا دفع الله الناس بعضهم بعض لهدمت صوامع و بیع و صلوة و مساجد ینذکرفها اسم الله کثیراً»

- اگر نبود که خداوند بعضی از انسانها را بدست بعضی دیگر دفع می کرد. دیرها و کلیسه ها و مساجدی که نام خدا در آنها زیاد برده می شود و یران می شد. صوامع جمع صومعه و معنی آن دیر راهب است و بیع جمع بیعه، معبد نصاری است که آنرا کلیسه و کلیسا گویند و صلوة جمع صلوة است که معبد یهود است و مساجد جمع مسجد، معبد مسلمانان است. مفاد آیه شریفه این است که اگر خداوند انسانهایی را بدست انسانهای دیگر از بین نمی برد و یا شر آنها را دفع نمی کرد، معبدها و یران

اسلامی بود. توده ملت ایران جز استقرار حکومت قرآن آرزویی نداشته و ندارد. بنابراین این قانون اساسی و سایر قوانین مملکتی باید طوری تنظیم گردد که اسلام را در جامعه حاکم نماید و اگر غیر از این باشد ملت، خود را موظف نمی داند که از رژیم حمایت نماید و همیشه در صحنه بماند و اگر ملت از صحنه خارج گردد دولت به سقوط نزدیک می شود.

مقدمه سوم

هدف در قانونگذاری:

معمولاً قانونگذاران قوانین را بگونه ای تنظیم می نمایند که ضامن سعادت جامعه باشد یعنی قانونگذار دقیق و عادل کسی است که هدف او از قانونگذاری تأمین سعادت افراد جامعه و رشد و صلاح آنها باشد و در این رابطه جهان بینی قانونگذار و دید او درباره انسان مهمترین عامل موثر در شکل قانون خواهد بود. قانونگذاری که دید او درباره انسان این است که زندگی انسان در این جهان خلاصه می شود و هر چه هست همین دنیا است طبعاً قانون را به شکلی تنظیم می کند که فقط جوابگوی نیازهای او در این جهان است. ولی قانونگذاری که معتقد است انسان برای جهان دیگر آفریده شده و زندگی این دنیا مقدمه کامل شدن او برای عالم دیگر است. تمام سعی و کوشش او این است که قانون را به شکلی تنظیم نماید که برای جامعه جو استكمال و رشد معنوی بوجود بیاید، در عین حالی که از رفاه زندگی در سایه عدالت اجتماعی به حد لازم برخوردار باشد. با توجه به مطالب یاد شده اگر بدانیم دید اسلام درباره انسان چیست بخوبی متوجه می شویم که قانون در اسلام چگونه باید تنظیم شده باشد و چه مسائلی باید در قانون اسلامی اصل قرار بگیرد.

انسان در قرآن:

در قرآن مجید سخن از انسان زیاد به میان آمده که مجموع آنها مسیر انسان را مشخص می کند و دیدگاه اسلام را درباره انسان روشن می سازد. ما از میان آیات فراوان به نمونه ای از آن اشاره می کنیم.

در سوره دهر که آنرا سوره انسان نیز نامیده اند می فرماید:

«انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتله فجعلناه سمعاً بصيراً انا هدیناه السبیل انا شاکراً و انا کفوراً»

- ما انسان را از نطفه مخلوط آفریدیم تا او را آزمایش کنیم و او را شنوا و بینا قرار دادیم، راه را به انسان نشان دادیم او یا سپاسگزار است (و به راه خود می رود) و یا کفران می ورزد (و به بیراهه می رود).

«انا اعتدنا للكافرين سلاسل و اغلالاً و سعيراً ان الابرار یسرون من کأبر کان مزاجها کفوراً»

- ما برای کافران زنجیرها و غل ها و آتش افروخته آماده کرده ایم. نیکوکاران از کاسه نوشابه ای می نوشند که با کافور بهشتی آمیخته و خوشبو شده است.

از این آیات استفاده می شود که انسان در دنیا بر سر دوزاهی قرار گرفته که یک راه آن به سقوط و عذاب دائمی منتهی می گردد و یک راه آن به سعادت و بهشت جاودانی، و انسان باید در این دنیا راه خود را بیابد و بسوی سعادت گام بردارد. و در سوره دیگر می فرماید:

«والعصر ان الانسان لفی حسر. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»

- قسم به عصر که انسان در خسران و زیان است، مگر کسانی که دارای ایمان و عمل صالح باشند و یکدیگر را بحق و صبر توصیه نمایند.

و از این آیات استفاده می شود که سعادت انسان در ایمان و عمل صالح است. از بیان فوق چنین نتیجه می گیریم که دید اسلام درباره انسان این است که انسان در دنیا در راه رفتن به سوی آخرت است و

آخرت برای او سرای باقی و دار همیشگی است و اگر ایمان و عمل صالح نداشته باشد زندگی برای او زیان بار است و رو به سقوط می رود و به عذاب الهی نزدیک می گردد. بنابراین طبیعی است که اسلام باید قانون خود را طوری تنظیم نماید که انسانها را با ایمان بار بیاورد و آنها را به انجام عمل صالح وادار نماید.

نتیجه ای که از مقدمات گذشته می گیریم این است:

از مقدمه اول بدست می آید که هر قوم و ملتی که خدا را نافرمانی کند سقوط خواهد کرد. فقط افرادی را خداوند یاری می کند که آنها دین خدا را یاری نمایند. (رژیم طاغوت و دودمان پهلوی معصیت و گناه و استکبار را از حد گذرانیدند و با قهر خداوند بدست مردم قهرمان ایران نابود شدند و رژیم بعدی اگر بخواهد در پناه لطف خداوند بادوام بماند باید دین خدا را یاری نماید) و از مقدمه دوم نتیجه می گیریم که خواسته توده انقلابی ایران اسلام بوده و اگر رژیم بخواهد از حمایت مردم برخوردار باشد، باید اسلام را دقیقاً در کشور پیاده کند و از مقدمه سوم نتیجه می گیریم که اسلام انسان را برای عالم آخرت دانسته و سعادت او را در ایمان و عمل صالح می داند و باید قوانین بگونه ای اسلامی تنظیم گردد که مردم را به ایمان و عمل صالح دعوت نماید، بنابراین با توجه به همه مطالب یاد شده در تنظیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسلام باید اصل باشد و نیز روی مسائل معنوی باید بیشتر تکیه شده باشد و در تمام اصول آن باید اصالت انسان و معتقدات مذهبی رعایت شده باشد.